

ثرفنا

(جادمای به سوی سکلدی ویگان)

نویسنده: جورج اورول
ترجمه: همایون حنیفه و ند مقدم

سرشناسه	اورول، جورج، ۱۹۰۳ - ۱۹۵۰ م.
عنوان و نام پنداور	Orwell, George ژرفنازجاده ای به سوی اسکله ویگان/ نویسنده جورج اورول؛ ترجمه همایون حنیفه و نهمقدم؛ ویراستار سیدمجتبی طهوری.
مشخصات نشر	زنجان: هلال نقره‌ای، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص، ۱۶۹/۲۱×۵/۲۱، ۵/۲۱.
شابک	978-600-99879-0-0
وضعیت فهرست نویسی	فایدا
یادداشت	عنوان اصلی: The road to wigan pier.
یادداشت	کتاب حاضر اولین بار در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان "راهی به سوی اسکله ویگان" توسط "انتشارات کتابسرا" و سپس در سالهای مختلف تحت عناوین مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
عنوان دیگر	راهی به سوی اسکله
موضوع	کارگران -- انگلستان
موضوع	Working class -- Great Britain
موضوع	بیگانگان -- انگلستان
موضوع	Unemployed -- Great Britain
موضوع	سوسیالیسم
موضوع	Socialism
موضوع	انگلستان -- اوضاع اجتماعی
موضوع	Great Britain -- Social Conditions
سندنامه	حنیفه و نهمقدم، همایون، مترجم
رده بندی کنگره	HD۸۳۹۰/الف۸۳۲ ۱۳۹۶
رده بندی	۳۰۵/۵۶۲.۹۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۰۵۵۹۸۲

انتشارات میل قهرمان



ژرفنا (جاده‌ای به سوی اسکله ویگان)

نویسنده: جورج اورول

مترجم: همایون حنیفه و نهمقدم

ویراستار: سید مجتبی طهوری

نوبت چاپ: اول - ۹۶

چاپ: باران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۷۹-۰۰۰

مرکز پخش

قم، بلوار امام خمینی (ره)، میدان شهید زین‌الدین، خیابان شهید قندی، پلاک ۴۷

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، پلاک ۱۱۲

۰۹۱۹۵۸۷۳۴۷۶ - ۰۲۵ ۳۶۶۷۲۵۰۶ - ۰۹۱۹۵۸۷۳۴۷۵ - ۰۹۱۹۸۵۳۷۶۸۷

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

سخن مترجم

کتابی را که پیش رو دارید از واپسین نوشتارهایی است که از «جورج اورول»، نویسنده‌ی زبردست انگلیسی، به فارسی برگردانده می‌شود. جورج اورول که شهرت سرد را بیش از همه به دو کتاب «قلعه حیوانات» و «۱۹۸۴» مدیون است، از نگشت شمار نویسندگانی شمرده می‌شود که نوشتارهایش را بر پایه‌ی تجربه‌های شخصی خود نگاشته، چنان که کتاب «دروود بر کاتولونیا» ماجرای برادرهایش بینش نویسنده در جریان جنگ داخلی اسپانیا و یا کتاب «آس و پاس در لندن و پاریس» توصیفی است از تلاش جورج اورول در غوطه‌ور شدن در دنیای تیره‌روزان اروپای باختری در نخستین سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی. یکی دیگر از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این نویسنده‌ی زبردست، قدرت تشریح و توصیف صحنه‌هایی می‌باشد که خود شاهد آن بوده است. اورول، گاه با طنزی کنایه‌آمیز چنان نظر خود را بر کرسی می‌نشاند که خواننده جز پذیرفتن آن، راه دیگری در پیش روی نمی‌بیند. روند تکامل بینش سیاسی اورول نیز به خوبی در کتاب‌های او نمایان

است. چنان‌که در نخستین کتاب‌هایش چون «روزهای برمه»، «آس و پاس در لندن و پاریس» و کتابی که اکنون بخش اصلی آن را در دست دارید، او که تحت تأثیر موج انقلابی‌گری و رادیکال‌مآبی پس از جنگ جهانی اول قرار گرفته و در همان حال کردارهای زشت و دهشتناک امپریالیسم انگلستان را در برمه‌ی خود به چشم دیده، از سویی با دیدی موشکافانه به بررسی وضع تیره‌روزان و تهدیدستان اروپای باختری و به ویژه انگلستان می‌پردازد. از سوی دیگر از روشن‌فکران لیبرال و مارکسیست به دلیل جدایی از توده‌های مردم و آگاه نبودن آنان از باورها و فرهنگ توده‌ها به سختی خرد می‌گیرد.

اما در این حال او که به ناپسندبودن فاشیسم رو به رشد حاکم بر بخش بزرگی از اروپا باور دارد، به دلیل هراس از این نهضت که خود آن را «محبوب میلیون‌ها تن» خواند، تنها به دادن پند و اندرز به این‌گونه روشن‌فکران بسنده می‌کند و آن‌ها را با شناختی راستین از خواست‌ها و آرمان‌های توده‌های مردم فرا می‌خورد.

در نیمه‌ی نخست دهه‌ی ۱۹۳۰، جنگ داخلی اسپانیا آغاز می‌گردد و اورول که رسالت خود را در مبارزه با فاشیسم می‌بیند روانه‌ی جبهه‌های این جنگ می‌شود و در این جبهه‌ها است که او به تدریج به پیوج بودن بسیاری از ادعاهای مارکسیست‌ها و به ویژه کمونیست‌های هوادار روسیه پی می‌برد. او در این سرزمین بیگانه از حقیقت‌نوینی آگاه می‌شود. اورول خود شاهد دروغ بودن شعارهایی مانند «جنگ اسپانیا، جنگ دموکراسی با فاشیسم، جنگ فرهنگ در برابر جهل، جنگ کارگر در برابر کارفرما و جنگ ستم‌دیده در برابر ستمگر» می‌گردد و با دلی پر از نفرت به

دروغگویان لیبرال منش و مارکسیست به میهنش بازمی گردد.

در این حال، در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۳۰ اورول شاهد تصفیه‌ها و سرکوب‌های خونین مردم امپراطوری روسیه به دست حکومت کمونیستی مسکو می‌گردد و ایمان پیدا می‌کند که «کمونیسم» نه تنها اندیشه‌ای دور از توده‌ها و فرهنگ آن‌ها می‌باشد، بلکه دگرینی است که به دلیل داشتن خشونت بی‌پایان در ذات خود، اگر به افزار دست دیکتاتورهای خونخوار در چین، استالین که بر جایگاه تزارها نشسته‌اند قرار گیرد به حکومت وحشت و ستم بدل خواهد شد.

از سوی دیگر، اروپا از ملت‌ها پیش به این حقیقت آگاه بوده است که نظام حاکم بر اروپای باختر، دلالی است در ظاهر آزادی‌خواه، اما در باطن به دلیل خصلت سرمایه‌داری خود، سرکوب‌کننده ملت‌های دیگر و حتی قشرهای بزرگی از سرزمین خود چنان‌که این باور او را می‌توان در کتابی که اکنون بخش اصلی آن را در دست دارد، دید.

اورول در واپسین سال‌های عمر، کتاب‌های اندیشه‌آرانات و ۱۹۸۴ را به رشته‌ی تحریر درمی‌آورد. او در این دو کتاب با بیان ده ماجرا و داستان پرهیجان، پرکشش و تخیلی، آنچه را که به باورش نظام‌های مارکسیستی و لیبرال در آینده بر سر ملت‌ها خواهند آورد، بیان می‌دارد. در این دو کتاب به خوبی آشکار می‌باشد که او در پی گریز از دو اندیشه‌ی لیبرالیسم و مارکسیسم، در فضایی از ناامیدی غوطه‌ور است و برای بشریت و ملت‌ها، آینده‌ی درخشانی نمی‌بیند و سرانجام در سال ۱۹۵۰ در اوج ناامیدی از آنچه که جهان را فرا گرفته، چشم از جهان فرو می‌بندد. اما در این حال باید گفت، آقای اورول همان‌گونه که دیگر روشن‌فکران را به

قرار داشتن در زندانی خودساخته متهم می‌کرد، خود در زندانی که ساخته بود به سر می‌برد. او هرگز در پی اندیشه‌ای ملت‌گرایانه نرفت و هرگز به خود زحمت بازبینی به چنین اندیشه‌ی برخاسته از طبیعت تاریخ و اجتماع را نداد.

شاید اگر او چند سال دیگر زنده می‌ماند و اوج‌گیری خیزش ملت‌های «رینا» جهان، بر علیه سلطه‌ی امپریالیست‌ها را می‌دید، به خود اجازه خیزش از این ملت‌های که برخاسته از طبیعت تاریخ و اجتماع باشد را می‌داد. خیزش بایسته به سرعت زنجیرهای سلطه را در سراسر جهان از هم گسیختند و پیورها از میان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، استقلال راستین خود را باز دانستند.

در هر حال، جورج اورول نویسنده‌ای است که محصول تضادها و کشمکش‌های پس از جنگ جهانی اول می‌باشد. او یکی از اندک شمار مردانی بود که در هنگام اوج‌گیری فراداده‌ای فریبکارانه‌ی لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها، آن‌ها را شناخت و رسو کرد. اکنون پیش از آغاز کتاب، برای آگاهی از وضع خفیه کم‌بر انگلستان در دو دهه‌ی ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ که رویدادهای این نوشتار نظر بر آن است به بررسی کوتاه این وضع می‌پردازیم.

به دنبال پیروزی انگلستان در جنگ جهانی اول، اقتصاد این کشور در پی رشد اقتصادی کوتاه‌مدتی که تا سال ۱۹۲۱، بیشتر دوام نیاورد و به دنبال دشواری‌های ناشی از انتقال وضعیت جنگی به وضعیت زمان صلح، تعداد بیکاران به یک میلیون و پانصد هزار تن در سال ۱۹۲۲ رسید. در این حال دولت محافظه‌کار انگلستان، به منظور مقابله با این بحران دست

به انجام شماری از اصلاح‌های اقتصادی و اجتماعی چون تصویب قانون «بیمه‌ی بیکاری» در سال ۱۹۲۰، تصویب قانون برنامه‌ریزی مسکن در شهرها در سال ۱۹۱۹، کنترل افزایش قیمت‌ها، حمایت محدود از تولیدات داخلی و بازگرداندن کنترل شماری از صنایع چون معدن‌های زغال‌سنگ و راه‌آهن به بخش خصوصی در سال ۱۹۲۱ زد.

در ژانویه سال ۱۹۲۴، «رمزی مک دونالد» رهبر حزب کارگر نخستین دولت کارگری را تشکیل داد و از همان آغاز با دشواری‌های اقتصادی بسیاری چون سال‌ها صادرات زغال‌سنگ آلمان به انگلستان که با نرخ ۳۰ تا ۵۰ درصد نرخ زغال‌سنگ معدن‌های این کشور به فروش می‌رسید روبرو شد.

دولت کارگر انگلستان که در حین حاکم‌بودن این دشواری‌ها بود، کمیسیونی به نام کمیسیون «ساموئل» را مأمور بررسی وضع نمود و این کمیسیون هم پیشنهاد کرد که صنایع معدن مدرن‌تر شود و دست‌دها به میزان اندکی کاهش یابند، اما کارگردان معدن‌های زغال‌سنگ با این امر به مخالفت برخاستند و در سوم ماه مه ۱۹۲۶، اعتصاب عمومی بزرگی سراسر انگلستان را فرا گرفت که دولت جدیدی محافظه‌کار تنها با به بیجا رفتن توانست ادامه‌ی کار خدمات عمومی را تا هنگام پایان اعتصاب عمومی در دوازدهم ماه مه، تضمین کند.

در این میان، کارگران معدن‌ها تا پایان سال به اعتصاب خود ادامه دادند و سرانجام هم به زور وادار شدند که بر سر کارهای خود حاضر شوند. دولت محافظه‌کار انگلستان هم به منظور مقابله با بحران‌های روزافزون داخلی، اقدام‌های زیر را انجام داد:

- پرداخت قروض دوران جنگ به آمریکا موجب بالا رفتن میزان مالیات‌ها و در نتیجه افزایش قیمت کالاهای صادراتی گردید.

- در سال ۱۹۲۵، انگلستان استاندارد طلا را پذیرفت، اما از آنجایی که ارزش «پوند» واحد پول این کشور به شکلی غیرطبیعی بالا نگاه داشته شده بود، نرخ کالاهای صادراتی باز هم افزایش یافت.

- کاهش قابل توجه مصرف کالاهای تولیدی انگلستان در دوره‌ی پس از جنگ جهانی اول موجب رکود در صنایع به‌ویژه صنایع پارچه گردید.
- قانون ۱۹۰۵ مستمری، سن دریافت مقرری را از هفتاد به شصت و پنج کاهش داد.

- قانون بیمه‌ی بیکاری مصوب سال ۱۹۲۷، پرداخت مقرری به بیکاران تا هنگام یافتن کار را تضمین نمود.
- قانون حق رأی برابر مصوب ۱۹۱۸، به زنان بالاتر از بیست و یک سال حق رأی داد.

دولت محافظه‌کار در ماه مه ۱۹۲۹ به دلیل شکست در حل بحران بیکاری، عدم گرایش به داشتن روابط حسنه با روسیه، عدم تمایل به شرکت فعال در جامعه‌ی ملل و نیز نارضایتی ناشی از اجرای قانون «اتحادیه‌های کارگری و منازعات تجاری» مصوب ۱۹۲۷، سقوط نمود و در پی آن حزب کارگر به رهبری مک دونالد با پیروزی خیره‌کننده در انتخابات و به دست آوردن ۲۸۷ کرسی پارلمان، دومین دولت خود را تشکیل داد.

در این انتخابات محافظه‌کاران ۲۶۱ و لیبرال‌ها ۵۹ کرسی پارلمان را اشغال کردند. در این حال، لیبرال‌ها که خواستار ایجاد سیستم انتخاباتی

«الکترال» به جای انتخاب تناسبی نمایندگان بودند، از دولت کارگری پشتیبانی نمودند.

بحران اقتصادی:

در اکتبر ۱۹۲۹ و در پی سقوط بازار بورس نیویورک (وال استریت)، مشکل بیکاری و وضعیت کلی اقتصادی انگلستان افزون تر گشت.

دولت در گزارشی که در جولای ۱۹۳۱ انتشار داد، افزایش مالیات ها و کاهش مقرری های بیکاری را به منظور کاهش کسر بودجه پیشنهاد نمود.

در این حال، الکترالان بر این باور بودند که ایجاد یک دولت چند حزبی موجب جلب سرمایه گذاری های خارجی خواهد گردید که در پی آغاز بحران اقتصادی از انگلستان خارج شده بودند. در داخل دولت کارگری نیز در مورد کاهش هزینه ها، اختلاف و چند دستگی پدید آمده بود، به ویژه آن که بسیاری از کارگران کار در جریان انتخابات نمایندگان حزب کارگر را گزیده بودند.

از سوی دیگر، دولت آمریکا نیز پرداخت وام به انگلستان را به کاهش هزینه ها مشروط نمود و به این ترتیب دولت این مطالبه را پذیرفت و به دنبال آن کابینه ی کارگری استعفا داد.

در بیست و چهارم آگوست ۱۹۳۱، مک دونالد رهبری یک دولت چند حزبی را که به دولت «ملی» شهره گشته بود، برعهده گرفت و در پی آن بسیاری از اعضای حزب کارگر که عمل مک دونالد را خیانت آمیز می دانستند، رهبری حزب را برعهده ی «آرتور هندرسون» گذاردند.

در نتیجه ی انتخابات ماه اکتبر و از آن جایی که سیاست مردان لیبرال و کارگر در مورد حمایت از دولت چند حزبی در ستیز بودند، حزب

محافظه‌کار نفوذ گسترده‌ای در دولت چند حزبی یافت. در سال ۱۹۳۵، دولت «ملی» با اکثریت اندکی به پیروزی رسید و حزب کارگر ۱۵۴ کرسی را در سال ۱۹۳۵، دولت «ملی» با اکثریت اندکی به پیروزی رسید و حزب کارگر ۱۵۴ کرسی را بار دیگر اشغال نمود و به دنبال آن «استانلی بالدوین» جانشین مک دونالد گردید.

در سال ۱۹۳۷ نیز با کناره‌گیری بالدوین، «نویل چمبرلین» نخست‌وزیر دولت جدید گشت، تا هنگام تشکیل کابینه‌ی جنگی «نیستون چرچیل» در اسل ۱۹۴۰، کارنامه‌ی دولت «ملی» از عملکرد چندان درخشانی برخوردار نبود و تنها در چند مورد، شماری از دشواری‌ها از جمله بحران استعفای ادوارد هشتم، حل و فصل گردیدند.

ادوارد هشتم که خواستار ازدواج با خانم «سیمپسون» بود، به دلیل آن‌که وی از همسر پیشین خود جدا گشت و دولت با ازدواج پادشاه با یک بانوی مطلقه موافق نبود، در سال ۱۹۳۶، نفع برادرش، جورج ششم، از سلطنت کناره گرفت.

اگرچه دولت‌های متعدد پس از جنگ جهانی اول، در انگلستان، راه‌حل بحران اقتصادی را در تکیه بر بخش خصوصی می‌یافتند، این حال در برخی موارد دولت به منظور کنترل سیمای اقتصاد کشور در این‌گونه امور دخالت نمود.

موارد یاد شده عبارتند از:

الف - حمایت از تولیدات داخلی

انگلستان به منظور حمایت از تولیدات داخلی در برابر رقابت کشورهای خارجی به قوانینی چون قانون حقوق گمرکی «مک کنا»

مصوب ۱۹۱۵ متوسل شد.

نمونه‌هایی از حمایت دولت از تولیدات داخلی عبارت بود از:
- قانون حمایت از صنایع، مصوب سال ۱۹۲۲، که به موجب آن دولت حقوق گمرکی به میزان سی و سه درصد بر واردات خارجی بست.
این قانون موجب اختلاف میان لیبرال‌ها و محافظه‌کاران و در نتیجه شکایت در دولت ائتلافی گردید.

- قانون حقین گمرکی بر واردات، مصوب ۱۹۲۲ که به موجب آن تعرفه‌های گمرکی به میزان ده درصد بر تمامی واردات به استثناء واردات از دیگر سرزمین‌های امپراطوری بسته شد.

- در نتیجه‌ی مصوبات کنفرانس «اوتاوا» (۱۹۳۲)، انگلستان بر واردات از کشورهای وابسته به امپراطوری خود حق تقدم قایل می‌گشت و در برابر کشورهای وابسته به امپراطوری نر به واردات از انگلستان به وسیله بستن حقوق گمرکی بر کالاهای دیگر کشور، از حمایت قایل می‌شدند.

ب - کشاورزی

دولت با تضمین ثبات قیمت‌های مواد کشاورزی به‌ریشه به وسیله‌ی ایجاد هیأت‌های بازاریابی که توسط دولت کارگری در سال ۱۹۳۱ تشکیل شد، به حمایت از تولیدات کشاورزی پرداخت و به این ترتیب تولید شیر، گندم، جو و نیشکر افزایش یافت.

پ - ملی کردن صنایع

- پس از تصویب قانونی مبنی بر ملی کردن تأسیسات مولد نیرو، در

سال ۱۹۲۶ «هیأت مرکزی الکتریسیته» تشکیل شد.

- بنگاه سخن‌پراکنی انگلستان «بی. بی. سی» که در سال ۱۹۲۲ بنیان یافته بود در سال ۱۹۲۶ ملی شده و به انحصار در اختیار پخش برنامه‌های رادیویی قرار گرفت.

- هیأت حمل و نقل مسافری لندن در سال ۱۹۳۳ تشکیل شد.

در سال ۱۹۳۹ شرکت خطوط هوایی بین‌قاره‌ای انگلستان (بی. او. ا. سی) از تانیت دو شرکت خصوصی پدید آمد.

ت - امر، اجتماع

در سال ۱۹۳۷، مناسبت حمایت از کارگران صنعتی، قانون مهم «کارخانه‌ها» تصویب شد.

اسفندماه ۱۳۶۲

حاجیون حنیفه‌وند مقدم